

سیاست جنایی ایران و اسلام ناظر بر جرم مساحقه

سیده زهرا حبیبی (نویسنده مسئول)^۱، معصومه کاویان پور^۲

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد اراک Sz.habibi@yahoo.com :

^۲ فارغ التحصیل ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد اراک

Email:masoumkavyan69@gmail.com

چکیده

وجدان و اخلاق عمومی همواره ارتکاب جرم را عملی غیراخلاقی و ناپسند می‌داند، به گونه‌ای که این امر یکی از مبانی عمده جرم‌انگاری است. یکی از علل جرم‌انگاری جرایم جنسی آثار خاص و تبعات زیان‌بار حیثیتی و اجتماعی می‌باشد. سیاست جنایی ایران در خصوص جرم مساحقه بدون کیفیات مشدده عبارت از شلاق است، به طور کلی در شریعت مقدس اسلام، با وجود مجازات سنگین برای این جرم، مقررات سختی وضع گردیده تا اثبات این جرایم به سهولت صورت نگیرد. به این دلیل که با اثبات این جرایم قبح آن از بین می‌رود و مردم نسبت به آن متجری می‌گردند و کم‌کم فحشا اشاعه پیدا می‌کند. از طرف دیگر حتمیت و قاطعیت اعمال کیفر را وصف آن نموده تا فکر گریز از مجازات در ذهن افراد خطور نکند. اسلام و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران از سیاست جنایی خاصی در این زمینه بهره می‌جوید و بیشتر به پیشگیری نظر دارد تا اعمال کیفر، یعنی هدف از چنین ساختاری پیشگیری از این جرایم است.

واژه های کلیدی: اقدامات سرکوبگرانه، جلد، قتل، رجم

مقدمه

در ایران که اعتقادات و فرهنگ عمومی مردم و امر و نهی‌های قانونی بر اصول و موازین شرعی استوار است، جرایم منافی عفت جایگاه درخور توجهی دارد. این جرایم در طبقه‌بندی جرایم، جزء جرایم خلاف عفت و اخلاق عمومی جامعه است. در این جرایم، آسیب و ضرر و زیان ناشی از جرم بیش از آن که مادی باشد، روانی و حیثیتی است؛ لذا، جبران آن از سایر جرایم دشوارتر است. در تمام کشورها، رقم سیاه بزه‌کاری در این جرایم بیش از سایر جرایم است؛ شاید مهم‌ترین دلیل آن، عدم تمایل بزه‌دیده به گزارش موضوع به پلیس برای جلوگیری از لکه‌دار شدن حیثیت او در خانواده و اجتماع است. به هر حال تشخیص درست موارد لزوم دخالت قاضی، کشف جرم و تعقیب مجرم و تحقیق از او در این دسته از جرایم، لازمه رسیدن به اهداف سیاست جنایی در مواجهه با این جرایم است؛ اهدافی که با ملاحظات خاص شرعی نیز باید همراه باشد. قانون‌گذار برای حفظ عفت عمومی جرایم جنسی را مورد جرم‌انگاری قرار می‌دهد. در کشور ما با الهام گرفتن از فقه شیعه مجازات سخت و سنگین برای آن در نظر گرفته شده، در عین حال که راه رسیدن به اجرای کیفر را نیز سخت مقرر نموده تا جرایم فوق اثبات نگردد و در صورت اثبات منتهی به اجرا نگردد و از سلسله مراتبی پیروی می‌کند که مبنی بر تسامح و تساهل است، مثل قاعده درء، پذیرش جهل حکمی و موضوعی، پذیرش توبه حتی بعد از اثبات جرم و ... و خلاصه اینکه شارع حکیم نظر به ارباب، اصلاح و پیشگیری دارد و نه اجرای کیفر. جرایم جنسی به جهت تعرض به حیات مادی و معنوی انسان‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که قانون‌گذار، سیاست جنایی خاصی را در خصوص پیشگیری از این جرایم در پیش گرفته است. سیاست جنایی به تدابیر و روش‌های پیشگیری و درمان مجرمیت گفته می‌شود که توسط دولت به مفهوم عام کلمه و کلیه سازمان‌های دولتی اجرا می‌شود که نسبت به سیاست کیفری مفهومی عام‌تر دارد. به دیگر سخن، سیاست جنایی، یک فرآیند اجتماعی است که محور آن را سیاست-گذاری تشکیل می‌دهد و با هدف درگیر شدن با واقعیت‌های پیچیده جرم در عرصه‌های جامعه شکل می‌گیرد(۱).

جرایم جنسی، اصول اخلاقی، عفت عمومی و خصوصی را مختل می‌نماید. به همین علت از دیرباز حکومت‌ها به این جرایم توجه

ویژه داشته‌اند و آن را مورد جرم‌انگاری قرار داده‌اند، در کشور ما قانون‌گذار به تبع از فقه شیعه به جرم‌انگاری جرایم جنسی پرداخته و عیناً

مجازات موجود در فقه را در ق. م. آورده است، مهم‌ترین جرایم جنسی عبارتند از: زنا، مساحقه و از مهم‌ترین مجازات‌های آن، قتل و جلد قابل ذکر است.

در یک دیدگاه کلی می‌توان گفت که مخدوش شدن رضایت یا اعمال رفتار جنسی نسبت به دیگری برخلاف اراده وی و یا استفاده از عنف و اکراه در تمامی کشورها به‌عنوان رفتار جنسی به عنف شناخته شده است.^(۲) این در حالی است که اسلام راه‌های پیشگیری مؤثری را عرضه نموده که از همان ابتدا ریشه جرم را می‌خشکاند مثل حرمت نگاه به نامحرم، تحریم خلوت با نامحرم، ازدواج و ... ابهام و یا مسئله‌ای که در این موضوع وجود دارد، این است که سیاست جنایی ایران در خصوص موضوع فوق با توجه به تفاسیر مختلف از موضوع فوق در فقه و حقوق چگونه ارزیابی می‌گردد.^(۳)

۱- مفهوم شناسی

در این بحث به بررسی مفاهیم مرتبط با موضوع می‌پردازیم.

۱-۱- سیاست جنایی

در یک نگاه کلی فوئر باخ^۱ آلمانی را می‌توان از نخستین کسانی دانست از اصطلاح سیاست جنایی استفاده نموده است. فوئر باخ سیاست جنایی را اینگونه تعریف نموده است که: «سیاست جنایی مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری است که دولت از طریق آن‌ها در مقابل جرم، واکنش نشان می‌دهد.» فون لیست^۲ نیز در تعریف خود از سیاست جنایی آورده است: «سیاست جنایی رشته‌ای است که حسب یافته‌های فلسفی و علمی و طبق مقتضیات تاریخی کوشش میکند تا به تدوین نظریه‌های کیفری و پیشگیری جرائم که در عمل مفید واقع گردد، بپردازد.» به اعتقاد وی، جرم معلول عوامل فردی و اجتماعی بوده و لذا سیاست اجتماعی و سیاست جنایی را از یک دیگر جدا کرده و تصریح نمود موضوع سیاست اجتماعی (پیش‌گیری اجتماعی) حذف کامل یا حداقل محدود ساختن شرایط اجتماعی جرم است، در حالی که سیاست جنایی در جایی که با بزه‌کار خاص سر و کار می‌یابد، نمایشگر مبارزه علیه جرم به وسیله تأثیر فردی علیه

^۱-Anselm Von Feueybach-
^۲-Franz Von liszt-

بزهکار است. مرل و ویتو^۲ در توصیف سیاست جنایی اظهار میدارند: «مجموع روش ها و شیوه های لازمی که به قانون گذار پیشنهاد میشود؛ یا این که در یک زمان و مکان خاص مورد استفاده قرار میگیرد تا بدین طریق بتواند علیه بزهکاری به مبارزه ای جدی بپردازد و در ریشه کن کردن و نابودی آن توفیق حاصل کند. بنابراین، سیاست جنایی قبل از آن که یک علم باشد، یک فن است که هدفش کشف و شکل دادن عقلانی و منطقی بهترین طریقه های ممکن برای حل مسائل مختلفی است که پدیده مجرمانه از نظر شکلی و عملی به وجود می آورد.» با توجه به تعاریف فوق الذکر و سایر تعاریف از این دست به صورت کلی می توان گفت که سیاست جنایی شامل مجموعه روش - هایی میشود که هیأت اجتماع با توسل به آن ها، واکنش های علیه پدیده مجرمانه را سازمان میبخشد. بدین ترتیب، سیاست جنایی مترادف با جنبه های نظری و عملی اشکال مختلف کنترل اجتماعی (جرم و انحراف) متجلی میشود. بدیهی است حقوق کیفری، همچون هسته اصلی یا محل قوی- ترین فشار و تنش، در سیاست جنایی حضور محسوسی دارد، اما کار بست های کیفری در قلمرو سیاست جنایی، دیگر تنها نیستند، بلکه حول آن ها، شیوه های دیگر کنترل اجتماعی از نوع غیر کیفری، غیر سرکوبگر و گاه حتی غیر دولتی وجود دارد. (۴)

۱-۲- جرم

جرم، عملی که قانون آن را منع کرده، یا ترک عملی که قانون آن را لازم دانسته است. این واژه در اصل به معنای قطع کردن است و از این رو برای این مفهوم به کار رفته که عمل واجب الوصل را قطع می کند و به معنای ارتکاب زشتی و گناه نیز آمده است. (۵) با این حال، قرآن کریم آن را در مصادیق گسترده ای به کار برده است که شامل مستکبران، ستمگران و منکران معاد هم می شود. در نتیجه، لفظ جرم در قرآن عام است و رفتار مجرمانه و عقاید و اخلاق انحرافی را نیز شامل می گردد. لفظ جرم در قرآن شامل هر گناهی نمی شود، بلکه گناهان به لحاظ شدت و ضعف و قصد مرتکب و حالات گوناگون او ممکن است تحت یکی از این عناوین قابل طرح باشد. (۶)

۱-۲-۱- تعریف فقهی جرم

ارتکاب فعل حرام و ترک واجب که در شرع برای آن حد تعیین نشده، مستلزم تعزیر است. بر این اساس جرائم در فقه یا مربوط به تمامیت جسمانی است که غالباً تحت عنوان «جنایات» مطرح شده و مستلزم قصاص یا دیه است، و یا جرائمی است که مجازات آنها در شرع مشخص شده است که تحت عنوان «حدود» مطرح می‌شوند و در غیر این موارد، عنوان «تعزیر» خواهند داشت. (۷)

ابویعلی آورده است: «الجرائم محظورات بالشرع، زجرالله تعالی عنها بحدّ او تعزیر: جرائم آن چیزی است که در شرع نهی شده و خداوند به وسیله حد و یا تعزیر از آن باز می‌دارد». در فقه معاصر، جمله قدما را به این شرح تعبیر کرده‌اند؛ ارتکاب هر عمل ممنوع جرم است، خواه منع آن از ناحیه شارع باشد و خواه از سوی حاکم اسلامی. (۸)

عبدالقادر عوده می‌نویسد: فقها غالباً از جرم به «جنایت» تعبیر می‌کنند. لفظ جنایت در میان فقها، اصطلاحی خاص و عبارت است از جرائم بر ضد تمامیت جسمانی افراد. اما برخی دیگر از فقها از جرائم حدی و مستلزم قصاص به «جنایت» تعبیر می‌کنند. بر این اساس، در اصطلاح فقهی، لفظ جنایت مترادف جرم است و اختصاص به جرائم خاص ندارد و جرم نیز عمل ممنوعی است که ضمانت اجرای کیفری داشته باشد در برخی از روایات نیز لفظ جنایت به ارتکاب جرائم حدی و تعزیری، و جانی به مرتکب آن اطلاق شده است. (۹)

۱-۲-۲- مفهوم حقوقی جرم

لواسور در تعریف حقوقی جرم می‌گوید: جرم در مفهوم حقوقی عبارت است از عمل یا خودداری از عملی که قابل انتساب به مرتکب آن بوده، در قانون پیش‌بینی یا با یک کیفر جزایی مجازات شود. (۱۰) ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰ جرم را چنین تعریف کرده بود: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم را این چنین تعریف کرده است «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود».

۱-۲-۳ - جستاری در مفهوم جرم در حقوق نوین

در گزارش کنفرانس حقوق کیفری اسلامی در جده، در تعریف جرم چنین آمده است: جرم در اصطلاح شرعی عبارت است از فعل یا ترک فعل (یا قول یا ترک قول) که اسلام انجام یا ترک آن را واجب یا حرام دانسته، و برای آن مجازات دنیوی یا عقوبت اخروی تعیین کرده است. به عبارت دیگر، جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت و یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه می‌انجامد. (۱۱)

مفهوم اجتماعی و جرم‌شناسی جرم: از نظر جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، جرم عبارت از هر فعل یا ترک فعلی است که مخالف افکار و وجدان عمومی باشد، اعم از اینکه مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته باشد یا نه. در واقع، جرم در این مفهوم به معنای مطلق انحراف است. لواسور در تعریف جرم می‌گوید: جرم عبارت است از هر جمله‌ای که به وسیله فرد عضو یک دسته اجتماعی بر ضد یک ارزش مشترک این دسته به عمل می‌آید. (۱۲)

دورکیم جامعه‌شناس مشهور فرانسوی می‌گوید: ما می‌توانیم وجود یک سلسله از عملیاتی را اثبات کنیم که اجتماع بر ضد آنها واکنشی به صورت مجازات نشان می‌دهد. از این سلسله عملیات، گروهی می‌توان درست کرد و به آن عنوان مشترکی به نام «جرم» داد. (۱۳)

کانت جرم را در مفهومی گسترده به کار برده می‌گوید: هر عملی که مخالف اخلاق و عدالت باشد، جرم است. (۱۴)

در قانون مجازات اسلامی، جرایم جنسی یا جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ نخست جرایم مستوجب حد که شامل زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و قوادی است و دوم، جرایم مستوجب تعزیر که شامل روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا، دایر یا اداره کردن مرکز فساد یا فحشا و تشویق مردم به فساد یا فحشا یا فراهم آوردن موجبات آن است.

۱-۳ - بررسی مفهوم جرم مساحقه

از فحشا و کارهای زشت دیگر که در ق.م. جرم شناخته شده است و برای مرتکب مجازات تعیین شده است، هم‌جنس بازی دو زن با یکدیگر می‌باشد. هم‌جنس‌بازی در زنان به شیوه خاصی است، زیرا زن هم‌جنس باز هیچ‌گاه درصدد جستجوی زن دیگری که او هم مبتلا به انحراف باشد بر نمی‌آید، بلکه یک زن عادی و طبیعی برای ارضای میل جنسی او کافی است. سحق بر وزن سنگ معانی گوناگونی دارد، از جمله جامه کهنه ریزشده، کوبیدن، و... از نظر فقهی سحاق لیالی‌الائثی یعنی عشق زن به زن و طرق زدن معنی شده است و در اصطلاح فقها مساحقه وقتی است که دو زن عنصر زنانگی خود را به هم مالیده و عمل جنسی انجام دهند. (۱۵). یا ساییدن زن فرج خود

به فرج زن دیگر و امساحقه و سحق گویند. گفته شده است: مراد از «فاحشه» مساحقه است، یعنی: زن با زن دیگری مساحقه نماید و لکن اکثر علما قائل بر این هستند که مراد از آن «زنا» است و بر این مبنا گفته شده است که مراد از آن «زناى محصنه» است و مقصود از ثیب هم همین معنی است، در جمله «من نسائکم» چون اضافه «نساء» اضافه «زوجیت» است؛ از زنان شما زیرا اگر مراد غیر از زنان شوهردار بود، باید گفته می‌شد: «من النساء»؛ یعنی: «از بانوان». (۱۶)

۲ - سیاست جنایی ایران و اسلام در رابطه با جرم مساحقه

جرایم مستوجب حد که در ق.م.ا. به آن‌ها اشاره گردیده است عبارتند از: زنا، لواط، مساحقه، تفخیز که به تفضیل و جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. ابتدا در یک تعریف محدود از حد و حدود ارائه خواهیم داد: حد در لغت به معنای منع می‌باشد. (۱۷) قبل از وارد شدن به بحث مساحقه باید عنوان شود چهار موضوع مهم مطرح در این قسمت یعنی: زنا، لواط، مساحقه و تفخیز جرایمی هستند که مستقیماً و بلاواسطه به دلیل ارتکاب یک عمل جنسی و رابطه نامشروع، جرم‌انگاری شده‌اند و در بحث جرایم جنسی در قسمت حدود، جرم قوادی نیز وجود دارد که به صورت غیرمستقیم باعث ایجاد یک جرم جنسی می‌گردد. در قانون مجازات اسلامی جرایم جنسی به دو دسته جرایم مستلزم مجازات حد و تعزیر تقسیم می‌گردند. این جرایم نیز به مانند تمامی جرایم دارای ارکان سه گانه قانونی، مادی و معنوی می‌باشد

۲-۱- رکن قانونی

قانون‌گذار مساحقه را در ماده ۲۳۸ ق.م.ا. بدین‌گونه تعریف می‌کند: «مساحقه عبارت است از این‌که انسان مونث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی هم‌جنس خود قرار دهد». به عبارت بهتر مساحقه عبارتست از هم آغوش بودن دو زن به منظور کسب و ارضای لذت شهوانی از طریق برقراری تماس با اندام تناسلی یکدیگر. این عمل شنیع از قدیم‌الایام و در حقوق جزای اسلامی به‌عنوان یک عمل ناپسند ممنوع مجازات بوده (۱۸) از نظر سابقه تاریخی نیز این جرم در میان زنان «رس» رواج داشته و در قرآن کریم از اصحاب رس دوبار سخن به میان آمده است: «کذبت قبلهم قوم نوح و اصحاب الرس و ثمود» یعنی ای رسول از تکذیب امت غمگین مباش که پیش از این هم قوم نوح و اصحاب رس و قوم ثمود رسولان خود را تکذیب کردند. (۱۹) راجع به اصحاب رس در قرآن کریم توضیحی داده نشده و به نظر یکی از مفسران اصحاب رس، شاید قوم شعبیند که نزد چشمه یا چاهی به نام رس منزل داشته‌اند: (۲۰)

امام علی(ع) در مورد مساحقه فرموده‌اند: مساحقه در میان زنان مانند لواط در میان مردان است و لکن حد مساحقه صد ضربه تازیانه است، زیرا در مساحقه دخول نیست. به هر حال تدوین‌کنندگان ق.م.ا. در ماده ۲۳۹ قانون مزبور مساحقه را به‌عنوان یک رفتار جنسی غیرطبیعی و مجرمانه مستحق کیفر حد یکصد تازیانه برای طرفین شمرده‌اند.

۲-۲- رکن مادی

مرتکب جرم در این مورد دو زن می‌باشند که یکی عامل عمل و دیگری مفعول شناخته می‌شود و فرقی نمی‌کند که مسلمان باشد یا غیرمسلمان. عنصر مادی جرم عبارتست از ایجاد تماس با اندام تناسلی بین دو زن با یکدیگر که عمل مثبت از آن‌ها ناشی شود و در مورد فرد خنثی با داشتن اندام تناسلی زنانه ارتکاب جرم محل تردید است و بنابر قاعده ادراء الحدود بالشبهات می‌توان قائل به عدم تحقق بزه شد و با توجه به ماده ۱۲۷ ق.م.ا. که می‌گوید: «هم جنس بازی زنان با اندام تناسلی» بنابراین ترک فعل نمی‌تواند موضوع جرم هم جنس بازی زنان قرار گیرد. آن هم با آلت تناسلی و اگر زنی با زن دیگر ملامسه و معاشقه کند و اندام تناسلی در این عملیات دخالتی نداشته باشد، دیگر جرم مساحقه عملی نخواهد شد (۲۱)

۲-۳- رکن معنوی

هم جنس بازی زنان با استفاده از اندام تناسلی از جرایم عمدی است، چون انجام دادن آن یک عمل ارادی است که به قصد ارضای غریزه جنسی از ناحیه مرتکبان صورت می‌گیرد اما حصول نتیجه یا عدم آن شرط نیست. در ماده ی ۲۴۰ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «در حد

مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محسن و غیرمحسن و عاف و غیرعاف نیست». فرق این ماده با مقررات ماده ۲۳۴ درباره لواط اینست که در لواط زمانی مجازات قتل اعمال می‌شود که فاعل و مفعول عاقل و بالغ و مختار باشند. در حالی که در مساحقه علاوه بر این شروط باید دو طرف، قاصد باشند بنابراین اگر هر دو یا یکی از آن‌ها مست و... باشد دیگر حد مساحقه اجرا نخواهد شد: (۲۲)

۲-۴ - مجازات مساحقه

کیفر مرتکبان این جرم، یکصد تازیانه می‌باشد و با وجود این اعمال کیفر حد مساحقه منوط به این است که هر یک از اناث طرف جرم دارای شرایط عامه تکلیف باشند. قانون‌گذار در ماده ۲۳۹ ق.م.ا. مقرر می‌دارد «حد مساحقه، صد ضربه شلاق است»

۲-۵ - نگاهی مختصر به سیاست جنایی اسلام در زمینه با جرم مساحقه

«حد سحوق و مساحقه» هم یکصد تازیانه است. محمد بن حمزه روایت می‌کند که: گروهی از زنان خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدند. یکی از آنها از سحوق و مساحقه زنان با یکدیگر سؤال کرد، حضرت فرمود: زنان آنها به جای مردان به یکدیگر مشغول بودند و سحوق زنا در اصحاب زن‌های آنها مساحقه کننده بودند. خداوند آنها را با تندبادی به شدت عذاب کرد و زمین زیرپایشان را چون سنگ کبریت قرار داد که هر لحظه شعله‌ور و سوزان می‌شد و ابری سیاه و ظلمانی مثل پاره‌ای آتش سوزان به آنها سایه افکن شد و بدن‌های آنها را چون سرب در آتش ذوب کرد. (۲۳) زنی که با زنی دیگر مساحقه کند و بعضی از مجتهدین برآنند که اگر شوهر داشته باشد ایشان را سنگسار باید کرد. (۲۴) مشهور آن است که حاکم شرع اگر علم بهم رساند که شخصی زنا کرده است بدون گواه و اقرار او را حد می‌تواند زد، و هم چنین در سائر حدود هر چه حق الله باشد، مانند لواط و مساحقه، و اگر حق الناس باشد مانند حد فحش تا صاحب حق طلب نکند حد نمی‌زنند. (۲۵)

گفتند: زنی شوهرش با او جماع کرد چون فارغ شد زن بهمان گرمی درخواست و با دختر باکره مساحقه کرد، و نطفه مرد را در فرج او ریخت، و دختر به آن نطفه حامله شد، در این قضیه چه باید کرد؟ امام حسن گفت: مسأله مشکلی است، و چنین مسأله‌ها را پدرم باید جواب بگوید، و من جواب می‌گویم اگر درست باشد از جانب خدا و از جانب پدرم خواهد بود، و اگر بر فرض محال خطا کنم از خودم خواهد بود، و امیدوارم این شاء الله که خطا نباشد، باید که از زن مهر آن دختر باکره را بگیرند، زیرا که فرزند بیرون نمی‌آید تا بکارت او برطرف نشود، و زن را سنگسار می‌کنند برای آن که شوهر داشته و انتظار می‌کشند تا فرزند از آن دختر متولد شود، و آن فرزند را به صاحب نطفه می‌دهند که پدر او است، و دختر را حد می‌زنند که راضی به مساحقه شده است، چون به نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه رفتند و قضیه را با حکم امام حسن علیه السلام عرض کردند، فرمود: که اگر نزد من می‌آمدید جواب من همان بود که پسرم گفته است. و جمعی از علماء باین حدیث قائل شده‌اند، و بعضی در بعضی از احکام مذکوره اشکالها کرده‌اند، (۲۶)

باید بیان نمود: به چهار مرتبه اقرار زن، و به شهادت زنان ثابت نمی‌شود، مانند لواط. و اگر زن بالغی با دختر نابالغی مساحقه کند، بالغ را حد می‌زنند، و نابالغ را تعزیر می‌کنند، و اگر هر دو نابالغ باشند هر دو را تعزیر می‌کنند. (۲۷)

در کتاب نجم الهدایه مروی است از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «مساحقه بمنزله لواط کردن است». باید صد تازیانه زد ایشان را، اگر محصنه نباشد و اگر محصنه باشد باید سنگسارشان کرد. اگر پیش از ثبوت توبه کنند حدشان ساقط می‌شود به قول بعضی و هر گاه بعد از حد جاری شدن تا سه مرتبه این عمل را کرد، مساحقه کننده را باید کشت. (۲۸) امام باقر علیه السلام فرمود: «زنی که مساحقه می‌کند، تازیانه می‌خورد». و امام جعفر صادق علیه السلام از پدرشان روایت کرد که: «دو نفر را که مساحقه می‌کردند، نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند. حضرت هر دو را نود و هشت تازیانه زد و آن دو را به اندازه حد نرساند». (۲۹)

نتیجه

با توجه به اینکه جرایم جنسی جزء فطرت و غریزه انسان بوده و در زمان و مکان متغیر است، با وجود این مجازات سنگینی برای آن وضع شده است ولی نکته مهم‌تر راه رسیدن به کیفر است، چرا که قانون‌گذار شرایط سختی را برای اثبات و در صورت اثبات، شرایط سختی را برای اجرا از نظر گذرانده است که جمع شرایط مقرر امری است بسیار مشکل، مسئله اصلی هدف از چنین ساختاری است، به عبارت دیگر شارع حکیم از چنین ساختاری چه هدفی را دنبال می‌کند؟ از طرفی مجازات را سخت و سنگین وضع نموده (علاوه بر این در روایات ائمه اطهار (ع) از مجازات‌های اخروی شدید سخن به میان آمده است) تا مردم با دید سنگینی مجازات به قبح و زشتی شدید آن، از آن رویگردان باشند، و از طرف دیگر، راه رسیدن به کیفر را یعنی شرایط اثبات و اجرا را سخت مقرر نموده تا این جرایم حتی‌المقدور اثبات نگردد، چرا که با اثبات این جرایم قبح آن از بین می‌رود و مردم نسبت به آن متجری می‌گردند و کم‌کم فحشا اشاعه پیدا می‌کند، و از طرف دیگر حتمیت و قاطعیت اعمال کیفر را وصف آن نموده تا فکر گریز از مجازات در ذهن افراد خطور نکند. سیاست جنایی ایران در خصوص جرم مساحقه به عبارت دیگر مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری که دولت از طریق آن‌ها در مقابل جرم، مساحقه واکنش نشان می‌دهد، عبارت است از تازیانه و در صورتی که سه بار این حد جاری شود، برای بار چهارم این جرم را تکرار کند، مجازاتش قتل است. در فقه، برخی فقهاء با توجه به وضعیت‌های مختلف ارتکاب این جرم، مجازات این جرم را جلد، برخی رجم و برخی قتل قرار داده‌اند.

منابع:

- ۱- حبیب زاده، محمد جعفر و رحمانیان، حامد، ۱۳۹۱، هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۶، ص ۹
- ۲- بیگی، جمال، پورقهرمانی، بابک، و لیلان دوست، یوسف، ۱۳۹۲، سیاست جنایی پیشگیرانه ناظر بر جرایم منافی عفت در ایران، مجله پیشگیری از جرم، ش ۲۸، ص ۱۱
- ۳- حدادزاده نیری، محمد رضا، ۱۳۹۳، تحقیق در جرایم منافی عفت، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۷، ص ۱۱
- ۴- کریستین، لازرژ، سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، یلدا، چاپ نخست، ۱۳۷۵، صص ۴۷-۴۵
- ۵- محمد، فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، الحدود، مرکز فقه الاثمه الاطهار، قم، ص ۷۴
- ۶- ابوالقاسم، گرجی، ۱۳۸۰، آیات الاحکام، نشر میزان، تهران، ص ۳۳.
- ۷- عنصری فرد، عباس، ۱۳۸۳، جریحه دار کردن عفت عمومی در حقوق ایران، انتشارات آریان، تهران، ص ۱۹
- ۸- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۹۰، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۵۲
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳، وسایل الشیعه چاپ پنجم، جلد ۱۸، انتشارات تراث العربی، بیروت ص ۲۳۲.
- ۱۰- دورکیم، امیل، ۱۳۶۹، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر برهام، انتشارات جنگل، تهران، ص ۹۳
- ۱۱- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۱، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات مجد، تهران، ص ۲۱۳
- ۱۲- عنصری فرد، عباس، ۱۳۸۳، جریحه دار کردن عفت عمومی در حقوق ایران، انتشارات آریان، تهران، ص ۱۳
- ۱۳- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، تهران، ص ۱۱۹
- ۱۴- دانش، تاج زمان، ۱۳۸۵، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟، مؤسسه کیهان، تهران، ص ۴۳
- ۱۵- تاج زمان، دانش، ۱۳۸۵، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟، مؤسسه کیهان، تهران، ص ۴۳

۱۶- مقداد بن عبد الله سیوری حلّی، بی تا، - مترجم: بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، ج ۲،

پاساژ قدس پلاک ۱۱۱، قم - ایران، اول، ص ۸۵۱

۱۷- ابوالقاسم، گرجی، ۱۳۸۰، آیات الاحکام، نشر میزان، تهران ص ۱۸۴۶

۱۸- حسنی، علی اکبر، ۱۳۶۲، نظری بر قوانین جزایی اسلام، نشر دانشگاه تهران، تهران.

۱۹- سوره مبارکه ق، آیه ۱۲

۲۰- الهی قمشهای، مهدی محی الدین، ۱۳۶۸، ترجمه و تفسیر قرآن کریم، چاپ سوم، نشر امیرکبیر، تهران.

۲۱- حسنی، علی اکبر، ۱۳۶۲، نظری بر قوانین جزایی اسلام، نشر دانشگاه تهران، تهران.

۲۲- عنصری فرد، عباس، ۱۳۸۳، جریحه دار کردن عفت عمومی در حقوق ایران، انتشارات آریان، تهران

۲۳- مقداد بن عبد الله ، سیوری حلّی، بی تا، - مترجم: بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، ج ۲،

پاساژ قدس پلاک ۱۱۱، قم - ایران، اول، ص: ۸۵۸ - ۸۵۹

۲۴- عاملی، بهاء الدین، محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن (محشّی، ط - قدیم)، ج ۲، مؤسسه

منشورات الفراهانی، تهران - ایران، اول، ص ۴۲۰

- ۲۵- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی دوم اصفهانی، بی تا، حدود و قصاص و دیات (مجلسی)، مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران -
ایران، اول، ص ۲۰
- ۲۶- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی دوم اصفهانی، بی تا، حدود و قصاص و دیات (مجلسی)، مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران -
ایران، اول، ص ۲۳
- ۲۷- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی دوم اصفهانی، بی تا، حدود و قصاص و دیات (مجلسی)، مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران -
ایران، اول، ص ۲۴
- ۲۸- مرتضی بن محمد امین انصاری، دزفولی، ۱۴۱۵ ه ق، صراط النجاه (محشی، شیخ انصاری)، در یک جلد، کنگره جهانی
بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ص ۳۱۵
- ۲۹- آقا حسین، طباطبایی بروجری، ۱۴۲۹ ه ق - مترجمان: حسینیان قمی، مهدی - صبوری، م، منابع فقه شیعه، ۳۱ جلد،
انتشارات فرهنگ سبز، تهران - ایران، اول، ص ۷۷۵